

سازمانهای غیر دولتی در دورنمای توسعه

R. B. Jain, *NGOs in Development Perspective*, New Delhi: 1996, 92 pages.

دکتر سید اسد الله اطهری

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه

سازمانهای غیر دولتی در دورنمای

توسعه عنوان کتابی است که آر.بی. جین

ویراستاری آن را برعهده داشته است. این

کتاب دارای یک پیشگفتار می باشد و در ۴

فصل آمده و در پایان نیز نتیجه گیری به عمل

آمده است.

در پیشگفتار کتاب، جین، اظهار

می دارد که در ربع گذشته این قرن مدیریت

عمومی در تئوری و عمل تحت نفوذ

سازمانهای غیر دولتی به عنوان بخش سوم

بوده است. با توجه به مشکلات موجود در

جوامع در حال توسعه و نقش سازمانهای

غیر دولتی و کمک برای رفع این گونه

مشکلات، سمیناری در نوزدهم اکتبر ۱۹۹۳

در مرکز بین المللی هند برگزار شد. این

کتاب محصول دیدگاههای اندیشمندان

جمع بندی کتاب نیز به تحول تعلیم و

تربیت و فرهنگ میان کودکان قبل و بعد از

استقلال کشورهای مسلمان خاورمیانه و

مفهوم ملی گرایی پرداخته است. نویسنده بر

این باور است که کودکان و نوجوانان

علاقه مند برنامه های تعلیم و تربیت سکولار

باشند. در حال حاضر کودکان منطقه

تحت فشار عامل سیاسی، نظامی، فرهنگی و

اقتصادی در مناطق جنگی وحتى صلح آمیز

منطقه می باشند. نظام تعلیم و تربیت

کودکان تحول پیدا کرده است. لیکن هنوز

خانواده بر اساس مردم محوری است و

مشکلات اقتصادی، مشکل عمده آنهاست.

در کل بررسی این کتاب به ویژه با

بهره گیری از تصاویر زیبا و اشعار و ادبیات آن

به همراه گفتارهای حقوقی، روان شناختی،

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اندیشمندان

مورد توجه هر اهل کتابی می باشد. این

نوشتار برای مطالعه خوانندگان خارج از

منطقه به ویژه غربی ها بسیار جالب خواهد

بود، زیرا واقعیتهایی را صرف نظر از آرمانها و

شعار مطرح می سازد.

گوناگون آنها مانند نهادها و مؤسسه‌ها، گروه‌های ذی نفوذ، سازمانهای رفاهی و سازمانهای عام المنفعه، سازمانهای مصرف کننده مطرح شده‌اند. به این ترتیب این سازمانها به طور عمده غیر انتفاعی هستند. ولی رهیافت عمده‌ای برای تشویق مشارکت، تغییر اجتماعی و دموکراتیزاسیون برای تئوری توسعه و جامعه مدنی بوده است. با این توضیح در واقع اهمیت سازمانهای غیر دولتی در کنار سازمانهای دولتی و شرکتهای تجاری خصوصی مشخص می‌گردد.

جین در ادامه بحث خود، پایه تئوری سازمانهای غیر دولتی را عنوان می‌کند. این سازمانها از این منظر و از نظر او، زمینه تئوریکی کارها و اقدامات داوطلبانه و رهیافت خودیاری برای توسعه می‌باشد.

با این حال، برخی مشکلات در زمینه سازمانهای غیر دولتی وجود دارد و همچنین انتقاداتی نسبت بدان وارد شده است. زیرا با رشد سازمانهای غیر دولتی، برخی مشکلات عینی، متدولوژیک، نگرشی و از نظر سرشت و خمیرمایه وجود داشته است. در عین حال برخی از این مشکلات نیز از طرف دولت برای این سازمانها ایجاد شده است. در یک

شرکت کننده در آن بود. این سمینار با حضور تعدادی از جامعه شناسان برجسته، کارشناسان خدمات مدنی و نمایندگان تعدادی از سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای داوطلب، در مورد روند توسعه برگزار شد. بیشتر سخنرانان شرکت کننده در این سمینار از نقش رو به افزایش سازمانهای غیر دولتی در توسعه سخن گفتند.

در مقدمه‌ای (که در چارچوب فصل اول آمده است)، تحت عنوان دورنمای سازمانهای غیر دولتی: برخی مشکلات مفهومی، از نقش سازمانهای مذکور به عنوان بخش سوم به عنوان کاتالیزوری برای توسعه و تغییر یاد شده است. از این دیدگاه، بخش اول به سازمانهای دولتی مربوط می‌شود که کارویژه آن در حفظ قانون و نظم و حل و فصل منازعات خلاصه می‌گردد. بخش دوم، شامل شرکتهای تجاری خصوصی است که به طور عمده با منافع و سود سر و کار دارند و به این ترتیب کارویژه آن تأثیرگذاری بر روند توسعه است. در ارتباط با موفقیتها و ناکامیهای سازمانهای غیر دولتی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه در شکل

جمع‌بندی می‌توان گفت که مشکلات مربوط به سازمانهای غیردولتی، منابع مادی، مالی، انسانی، دسترسی به مهارت ضروری، ظرفیتهای مدیریتی و تکنیکی، اداری و اجرایی، چگونگی ارتباط این سازمانها با آژانسهای هبه‌کننده و دیگر گروههای اجتماعی، ارتباط آنها با مذهب، روابط متقابل با دیگر گروههای سیاسی، روابط میان رهبران و پیروان در سازمانهای مربوطه، نیاز به هماهنگی میان آنها، چگونگی ارتباط آنها با سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد است.

زمانی که کنفرانس زمین (کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه UNED در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو) برگزار شد، و زمانی که کنفرانس جمعیت قاهره در سپتامبر ۱۹۹۴ برگزار شد، نشان‌دهنده اهمیت روبه‌افزایش سازمانهای غیردولتی به مثابه حل و فصل مشکلات انسانی است.

در فصل دوم نقش سازمانهای غیردولتی در دولت‌مدرن: چالشی نسبت به سیاست و توسعه سازمانی در جنوب، مورد بررسی می‌گیرد. این فصل که توسط

رایبرپیشاس به رشته تحریر درآمده، یکی از محوری‌ترین بحثها در مورد سازمانهای غیردولتی است. وی درباره اصطلاح سازمانهای غیردولتی اشاره می‌کند که نقصهای ساختاری بازار و دولت مباحث را در زمینه علوم سیاسی و علوم اجتماعی به سمت بخش سومی هدایت کرده است که بخشی از آن سازمانهای غیردولتی نام دارد. این سازمانها به مثابه جزئی از بخش سوم، جایگاهی میان، در کنار و یا فراتر از دولت پیدا می‌کند. بر طبق نظریه ریچارد، ویژگیهای این سازمانها عبارتند از:

۱. باید از اقتدار کافی در مقابل نفوذهای خارجی (به عنوان مثال از دولت) برخوردار باشند.

۲. نباید جهت‌گیری انتفاعی داشته باشند.

۳. این سازمانها از ساختارهای نسبتاً غیررسمی عضویت برخوردارند و خدمات و اقدامات اعضای این سازمانها افتخاری است.

۴. باید نوعی همبستگی میان اعضا و هواداران این گونه سازمانها وجود داشته باشد.

با این حال، سازمانهای غیردولتی

پایگاههای خود را در جامعه ای می یابند که این جامعه به آنها مشروعیت می بخشد و همچنین نیازمندیهای مادی و مالی آنها را برآورده می سازد. بدین ترتیب اساس موجودیت و کارکرد سازمانهای غیر دولتی به بسیج داوطلبانه کمکهای اجتماعی وابسته است. با تکیه بر این کمکها، این سازمانها نه تنها قادر به ارایه ارزشهای برابر همان گونه که بازار عمل می کند هستند، بلکه از قدرت مشروع دولت نیز استفاده می کنند. البته، سازمانهای غیر دولتی باید بتوانند از استقلال خود در برابر قدرت دولت دفاع کنند. در ارتباط با نوع ارتباط دولت با سازمانهای غیر دولتی گل-کو-استیمانک اظهار می دارند که گاهی اوقات میان آنان توازن کامل برقرار است، در برخی موارد شاهد برتری دولت و در برخی موارد دیگر شاهد برتری سازمانهای غیر دولتی نسبت به دولت هستیم. مهم آن است که بدانیم سازمانهای غیر دولتی همواره با خطر ملحق شدن به نهاد دولت مواجه هستند.

در تجربه کشورهای اروپای غربی، سازمانهای غیر دولتی با توجه به ظرفیت همگرایی شان تحقق می یابند. آنها قدرت خود را مدیون مقاومت در مقابل قدرت دولت می دانند. به عنوان مثال، سازمانهای بزرگ جنبش کارگری، نهادهای خیریه (در مورد بهداشت و رفاه اجتماعی)، و نهادهای مربوط به پیشرفت فرهنگ، علم و آموزش و پرورش در همین راستا قابل مطالعه اند. اگر میان قدرت دولت و سازمانهای غیر دولتی، نوعی توازن قدرت وجود داشته باشد، ساختارهای تعاونی می توانند رشد کنند. این در حالی است که در برخی از کشورهای در حال توسعه، دولت هنوز سازمانهای غیر دولتی را به عنوان یک رقیب سیاسی در ارتباط با نفوذ آنها بر روی جامعه تلقی می کند. این نفوذ همچنان که اسکیل به عنوان مثال در مورد اندونزی مطرح می کند، می باید کنترل شوند.

پیشاس در ادامه بحث خود فعالیت سازمانهای غیر دولتی را در رژیمهای اقتدارگرا مورد مطالعه قرار می دهد. او به این نتیجه می رسد که هر چه میزان مشروعیت دموکراتیک و همچنین مشروعیت سیستمهای سیاسی تقلیل یابد، به همان میزان مصلحت کنترل جنبشهای سیاسی و اجتماعی و ممانعت از ایجاد و توسعه

نهادهای تمرکزگریز و خودمختار افزایش می‌یابد. پیشاس می‌خواهد اثبات کند که دامنه فعالیت سازمانهای غیر دولتی به شرایط اجتماعی-اقتصادی و شرایط فرهنگی و سیاسی بستگی دارد. او اضافه می‌کند که در مقایسه با مناطق روستایی توسعه نیافته، سازمانهای غیر دولتی نسبتاً در مناطق شهری پیدا می‌شوند. این نشان‌دهنده آن است که چگونه صنعتی شدن و دموکراسی می‌توانند دامنه فعالیت‌های سازمانهای غیر دولتی را افزایش دهند.

رویکرد نهادی سازمانهای غیر دولتی، بحث دیگری است که پیشاس در این فصل بدان پرداخته است. هدف وی این است که نشان دهد باید سازمانهای غیر دولتی با توجه به مشکلات بوروکراتیک دولت مدرن، نوآوری‌هایی در جهت تقویت پاسخگویی دولت رفاهی به ویژه در ارائه خدمات عمومی محلی ارائه کنند. فراساختاری نهادینه‌ای در کشورهای در حال توسعه: وظیفه اصلی دولت مدرن، موضوع دیگری است که پیشاس بدان می‌پردازد. ایجاد نهادهای کارآمد و گسترش و واگذاری آنها به یک

مدیریت مؤثر مورد توجه نویسنده قرار دارد. او این مسئله را هم برای جوامع توسعه یافته و هم توسعه نیافته مهم می‌شمارد. پیشاس معتقد است که مدل بوروکراتیک گذشته در مورد مدیریت عمومی و اجرایی ناکارآمدی خود را نشان داده است و اینک این گونه مدیریت‌ها باید در جهت گریه‌هایش کثرت‌گرا باشد.

اساس مطالب مذکور این است که در جوامع در حال تغییر، نقش دولت مدرن تنها در زمینه غلبه بر مشکلات بوروکراتیک نیست، بلکه حمایت از آزادی فردی، امنیت اجتماعی، افزایش ثروت و پیشرفت اجتماعی نیز باید در دستور کار چنین دولتی باشد. در همین زمینه یک مدیر و سیاستمدار آلمانی به نام لورنوزوم اشتهار در سال ۱۸۶۵ اظهار داشت که آزادی زمانی واقعی است که فرد برخوردار از الزاماتی باشد که از طریق آن منافع مادی و روشنفکرانه‌ای مانند حق تعیین سرنوشت وی فراهم باشد.

در مطلبی تحت عنوان سرویس پاسخگویی و پلورالیسم نهادینه شده: چالش سازمانهای غیر دولتی، عنوان می‌گردد که هر چند اجرای برنامه‌های مربوط به توسعه،

نقش نهادسازی از لحاظ نظری پذیرفته شده است، زمانی که به مرحله علم وارد می شود با چالش مواجه می گردد. علاوه بر دیگر مشکلات در این زمینه، دو دلیل اساسی در این مورد وجود دارد: نخست فقدان منابع و دوم فقدان پاسخگویی بوروکراتیک که به معنای ناکارآمدی است. برای غلبه بر این مشکلات، رهیافت کثرت گرایانه، به نقش بخش خصوصی اهمیت داده، خواستار واگذاری بخشی از مسئولیتها به شرکتهای خصوصی یا بخش سوم می گردد. هدف این رهیافت، توسعه نهادها، تمرکز فعالیتها و دادن مسئولیت به سازمانهای خصوصی داوطلبانه (PVOs) در مشارکت با واحدهای حکومتی محلی (LGUs) یا دیگر تأسیسات و نهادهای ویژه در سطح محلی است.

در انتقادات به عمل آمده، وی مدلهای مشارکت ممکن میان دولت و سازمانهای غیردولتی را مورد بحث قرار می دهد. کونل - سل روابط میان بخش عمومی و بخش سوم را به وسیله نمودار زیر تشریح می کنند: (نگاه کنید به نمودار ۱-۱)، مشخصه این نمودار، چگونگی روابط متقابل از سوی سازمانهای غیردولتی با دولت و به عبارت دیگر، چگونگی وابستگی به دولت است.

مورد اول، نمونه های درجه بالای هم گرایی است. در واقع وابستگی هم گراست که البته این هم گرایی با نزدیکی

نقش نهادسازی از لحاظ نظری پذیرفته شده است، زمانی که به مرحله علم وارد می شود با چالش مواجه می گردد. علاوه بر دیگر مشکلات در این زمینه، دو دلیل اساسی در این مورد وجود دارد: نخست فقدان منابع و دوم فقدان پاسخگویی بوروکراتیک که به معنای ناکارآمدی است. برای غلبه بر این مشکلات، رهیافت کثرت گرایانه، به نقش بخش خصوصی اهمیت داده، خواستار واگذاری بخشی از مسئولیتها به شرکتهای خصوصی یا بخش سوم می گردد. هدف این رهیافت، توسعه نهادها، تمرکز فعالیتها و دادن مسئولیت به سازمانهای خصوصی داوطلبانه (PVOs) در مشارکت با واحدهای حکومتی محلی (LGUs) یا دیگر تأسیسات و نهادهای ویژه در سطح محلی است.

با این حال، پیشاس به سراغ انتقادات وارده به سازمانهای غیردولتی نیز می رود و آن را تحت عنوان افزایش نقش سازمانهای غیردولتی: برخی مشکلات انتقادی، مطرح می کند. وی می نویسد، اگر ما قادر به انتقاد از خط مشی و تجزیه و تحلیل مشکلات، ضعفها و نقایص این سازمانها و همچنین انتقاد از روند تصمیم گیری سازمانهای

به دولت براساس شاخصهای مربوط به ارتباطات و روابط متقابل و چگونگی وابستگی به دولت با توجه به شاخصهای مربوط به دارایی و کنترل، مشخص می‌گردد. اتحادیه‌های تجاری و به ویژه انجمن کارفرمایان به این حوزه وابسته است. در مورد دوم، دولت برتری داشت و آزادی عمل سازمانهای بخش سوم با دخالت دولت محصور می‌گردد. مورد سوم، یک ایده کثرت‌گرایانه را شرح می‌دهد که در آن سازمانهای بخش سوم، روی سیاست دولت مدرن نفوذ دارند و در روندهای تصمیم‌گیری یا اجرا می‌توانند دخالت داشته باشند، بدون اینکه هم‌گرایی مطرح باشد. مورد چهارم حاکی از خودمختاری مجزای سوم با هدف عدم وابستگی به دولت و فاصله از دولت است. وی سپس این مدل را در مورد آلمان و فرانسه مورد مقایسه قرار می‌دهد.

دومین مورد انتقاد، به مشکل کنترل دولت بر سازمانهای غیردولتی مربوط می‌شود و در این زمینه میان کنترل داخلی و کنترل خارجی تمایز قابل می‌گردد. او عنوان می‌کند که بر طبق نظریه ریچارد ملاک و معیار خودمختاری سازمانهای غیردولتی

نشان می‌دهد که سازمانهای بخش سوم، به طور عمده موضوع کنترل داخلی است و کنترل خارجی در مورد اینها خیلی محدود است. به هر حال این مسئله به وسیله شاپرت در سال ۱۹۸۹ مورد پرسش قرار گرفته است. برای او یکپارچگی و وحدت یک روش کنترل نیست، بلکه دلیلی برای ترغیب مشارکت مردم در روند توسعه می‌باشد. در رابطه با کنترل خارجی، دولت نقش ویژه‌ای را بازی می‌کند. روش عمده کنترل دولت توسط به قانون است که ویژگی آن حد وسطی میان کنترل ملایم و شدید می‌باشد. کنترل ملایم براساس اصل همکاری است و کنترل شدید، نظمی است که توسط ماشین دولت تحمیل می‌شود. در اینجا نوع دولت خیلی مهم است.

در پایان وی انتقادات وارده بر سازمانهای غیردولتی در جنوب را صورت‌برداری کرده، آنها را به صورت ذیل ارایه می‌کند:

۱. تفاسوتهای درونی سازمانهای غیردولتی؛ ۲. فقدان همکاری و هماهنگی میان سازمانهای غیردولتی؛ ۳. فقدان آمادگی در زمینه همکاری بین دولت و

سازمانهای غیر دولتی؛ ۴. ابزاری شدن سازمانهای غیر دولتی به وسیله نخبگان قدرت؛ ۵. سازمانهای غیر دولتی و طرحهای توسعه؛ ۶. چشم انداز همکاری با توسعه بین المللی و ۷. چگونگی همکاری نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحت لوای قانون با سازمانهای غیر دولتی.

وی در پایان در نتیجه گیری خود می آورد که اکنون زمان آن رسیده است این عقیده را که کارکرد سازمانهای غیر دولتی را به عنوان رقیبانی برای مؤسسه های عمومی تلقی کنیم باید کنار بگذاریم. بلکه این سازمانها می توانند مشکلات مربوط به ناکارآمدی بوروکراتیک را در ارایه خدمات به شهروندان جبران کنند.

نگرشی انتقادی به نقش سازمانهای غیر دولتی در هند، مقاله دیگری است که توسط آر. بی. جین در فصل چهارم، مورد بحث قرار گرفته است. در این زمینه نویسنده می نویسد که هند سنتها و رسوم زیادی در زمینه فعالیت های بشردوستانه خدمات اجتماعی و فعالیت های داوطلبانه داشته است. جدای از گزینه نوع دوستی در فرهنگ و فلسفه هندیان که سابقه باستانی دارد و به

عنوان پارما (وظیفه) به فرد به ارث می رسد، تعداد زیادی از مؤسسه های خیریه و داوطلبانه در دو قرن اخیر در هند به وجود آمده اند تا به فقرا، نیازمندان، استثمارشدگان، ضعفا و بخشهای ضعیفتر جامعه یاری برسانند. به رغم این از زمان تسلط بریتانیا بر انگلستان این مؤسسه ها نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش نیز یافت. سیاستهای گاندی برای استقلال ملی در اوایل این قرن بر نوسازی اجتماعی، خودیاری و بهتر کردن وضعیت فقیرترین قشرها از طریق فعالیت های داوطلبانه متمرکز بود.

با این مقدمه، نویسنده ضرورت سازمانهای غیر دولتی در هند را مورد بررسی قرار می دهد. او می نویسد گاندی به فاصله اندکی پس از استقلال، سعی کرد که کنگره ملی هند را به یک سازمان خدمات عمومی تبدیل کند که مورد پذیرش قرار نگرفت. پیروان گاندی و سایر افرادی که نمی توانستند یا نمی خواستند که به دولت یا حزب پیوندند، تعدادی از سازمانهای داوطلبانه غیر دولتی را پی ریزی نمودند تا در ارتباط نزدیک با برنامه های دولت در زمینه

صنایع دستی روستایی، برنامه‌های توسعه روستایی، تعاونیهای اعتباری و آموزش بزرگسالان فعالیت کنند. پس از آن و با افزایش دامنه فعالیت این سازمانها، اکنون این سازمانها از سوی دولت کمک دریافت می‌کنند. زیرا به صورت فزاینده‌ای درگیر مسایل توسعه در هند هستند. این کمکها موجب تشویق سازمانهای غیر دولتی برای ارتقای مهارتهای تکنیکی و همچنین داشتن پرسنلی با حقوق منظم شده است.

دومین مرحله رشد سازمانهای غیر دولتی در هند، در حدود دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاد، و آن زمانی بود که دولت توانایی لازم برای رسیدگی به اقشار محروم را نداشت. بنابراین نیاز به وجود و گسترش سازمانهای غیر دولتی افزایش پیدا کرد. مشکلات مهم در این زمینه، عدم همکاری خوب میان سازمانهای غیر دولتی، مشکلات مربوط به رهبری سازمانهای غیر دولتی و مشکلات ایدئولوژیک بود. ولی همه آنها توانسته بودند میان توده‌های فقیر با سایر قشرهای مردم ارتباط برقرار کنند.

درک نقش سازمانهای غیر دولتی توسط دولت، یکی دیگر از بحثهایی است که

نویسنده در اینجا بدان می‌پردازد. از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تا ششمین برنامه ۵ ساله (۱۹۸۵ - ۱۹۸۰)، کوشش اندکی از سوی دولت برای تعریف نقش سازمانهای داوطلبانه یا تشخیص اهمیت سازمانهای غیر دولتی در روند توسعه به عمل آمده بود. گرایش تاکنون این بود که فعالیت سازمانهای داوطلبانه با فعالیتهای رفاهی صرف و کارهای خیرخواهانه اجتماعی معادل فرض شود. درک اهمیت توسعه مشارکتی در ششمین برنامه ۵ ساله، اهمیت سازمانهای غیر دولتی، رسمی و غیر رسمی را آشکار نمود و آنان به عنوان بازیگران جدید توانستند مردم را در زمینه توسعه کشور به حرکت درآورند و نیازهای جدید در عرصه کشور را برآورده سازند. مهمترین عرصه فعالیت این سازمانها عبارت بود از:

۱. مصرف بهینه و گسترش منابع انرژی قابل تجدید؛

۲. رفاه خانواده، آموزش بهداشت و تغذیه و برنامه‌های مناسب اجتماعی در این زمینه؛

۳. برنامه‌های سلامت برای همه؛

۴. مدیریت آب و حفاظت از خاک؛

در برنامه ۵ ساله هشتم (۱۹۹۷-۱۹۹۲) در این زمینه صورت گرفته است.

ماهیت سازمانهای غیردولتی از جمله بحثهای دیگری است که نویسنده در این مقاله بدان می پردازد. وی اشاره می کند که در ابتدا ماهیت این سازمانها، مذهبی بود. در زمان حال، هدف این سازمانها، توسعه اجتماعی-اقتصادی است و امروزه این سازمانها توسط

مراکز صنعتی هند پشتیبانی می شوند. با این حال، از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تأسیس سازمان مرکزی رفاه اجتماعی که کمکهای مالی برای تقویت سازمانهای غیردولتی به آنها اهدا می کند، موجب شده است که این سازمانها، انگیزه های بیشتری برای فعالیت داشته باشند. اعلان برنامه های خدمات ملی در کالجها و دانشگاهها منجر به افزایش تعداد افراد حاضر در فعالیتهای داوطلبانه برای کمک به روند توسعه کشور شد و در دهه ۱۹۷۰، سازمانهای داوطلبانه برنامه های توسعه روستایی سراسری را به اجرا گذاشتند. در این زمینه، سازمانهای داوطلبانه براساس کارکرد وظایف متفاوتی را برعهده گرفتند که از میان آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سازمانهای داوطلبانه با مدیریت

۵. برنامه های رفاه اجتماعی برای بخشهای ضعیفتر جامعه؛

۶. پیشگیری و اداره حوادث غیر مترقبه چون سیل و توفان؛

۷. محافظت و آموزش در رابطه با محیط زیست؛

۸. نقش سازمانهای غیردولتی در زمینه آب و آبیاری.

بازیگران جدید همچون زنان و جوانان در این زمینه بیش از پیش در جامعه هند فعال شدند؛ به نحوی که تعداد سازمانهای غیردولتی افزایش یافت. اگر چه آمار دقیق در دست نیست، تخمین زده می شود که تعداد ۱۰۰ هزار سازمان غیردولتی در هند وجود دارد که ۲۵ تا ۳۰ هزار آنها فعال هستند.

در برنامه هفتم (۱۹۹۰-۱۹۸۵) نقش فعالتر برای سازمانهای داوطلبانه در نظر گرفته شده است. طبق این برنامه از این سازمانها انتظار می رود که بیشتر به توسعه در روستاها اهمیت دهند، استفاده از تکنولوژی را در روستاها میسر سازند و بدین منظور کادرهای لازم را آموزش دهند و یک سیستم اجتماعی پاسخگو در مسایل اجرایی در سطح روستاها ایجاد کنند. تأکیدهای مشابهی نیز

فنی که بر روی این مسئله کار می کنند که توسعه روستایی از طریق راهکارهای مدرن و فن آوری، امکان پذیر است؛

۲. سازمانهای داوطلبانه اصلاح طلب که تلاش می کنند تا تغییراتی را در شرایط اجتماعی و اقتصادی وابسته به چارچوب سیاسی موجود ایجاد کنند؛

۳. سازمانهای داوطلبانه افراطی که در جستجوی راهی برای زیر سؤال بردن روابط تولیدی موجود می باشند. کوشش آنها

این است که استثمار شدگان را علیه استثمار کنندگان سازمان دهی کنند. آنها همچنین تعدادی از برنامه های اقتصادی، بهداشتی و آموزشی را بر عهده گرفتند و دامنه فعالیت آنها به حفاظت از محیط زیست نیز کشیده شد.

۴. سرمشق و نمونه باشند؛

۵. سیستمهای توزیع را فعال کنند و آن را در سطح روستاها کارآمد سازند تا بتوانند در مقابل نیازهای محسوس فقیرترین مردم پاسخگو باشند؛

۶. جامعه را باید تا حد ممکن به خودباوری و خوداتکایی برسانند؛

۷. نشان دهند که چگونه می توان از منابع داخلی برای پیشرفت و توسعه استفاده کرد؛

۸. استفاده از تکنولوژی را توسعه بخشند و آن را به شکل ساده به فقیران روستایی آموزش دهند؛

۹. مجموعه ای از کارمندان را به شکل

حرفه‌ای آموزش دهند. این آموزش شامل حال کسانی است که به کارهای داوطلبانه اعتقاد عمیق دارند؛

۱۰. نسبت به سازمان دهی فقرا اقدام کنند و آموزشهای لازم را در اختیار آنها قرار دهند.

دولت در این زمینه اعتباری معادل ۱۵۰ کرور و ۱۵۰۰ میلیون روپیه تقریباً معادل ۵۰ میلیون دلار آمریکا به آنها اختصاص داد، و همچنین سازمان مرکزی رفاه اجتماعی و فعالیت مردم برای توسعه را که اینک به نام انجمن ترقی فعالیت مردم برای فن آوری روستایی فعالیت می کند، واداشت که این گونه سازمانها را برای رسیدن به اهدافشان یاری دهند.

مسایل مؤثر در ظهور سازمانهای غیر دولتی، عنوان دیگری است که در این مقاله بدان پرداخته شده است. از جمله عوامل تأثیرگذار، تأثیر دولت و قدرت آن بر فعالیت سازمانهای غیر دولتی است. تأثیر آژانسهای خارجی نیز فعالیت این سازمانها را تحت تأثیر قرار می دهد. زیرا این آژانسها و دولت برخی اوقات این سازمانها را به سمت اجرای برنامه هایی خاص سوق می دهند.

نویسنده در بحث لیبرالیسم اقتصادی در هند و سازمانهای غیر دولتی، نقطه آغاز لیبرالیسم اقتصادی در هند را در سال ۱۹۸۴ و در زمان نخست وزیری راجیو گاندی جستجوی می کند. همچنین در مباحث مربوط به سازمانهای غیر دولتی برای ارتقای

سرمایه داری جهانی، نقش بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای تأثیر گذاری بر سازمانهای غیر دولتی و استفاده از آن برای نفوذ به اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله هند مورد مطالعه قرار می گیرد. استنباط دولت از سازمانهای غیر دولتی، مطلب دیگری است که مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. دولت میان دو نوع از سازمانهای غیر دولتی عکس العمل نشان داده است. برخی از این

سازمانها به خوبی چنان سازمان یافته و قدرتمند هستند که از عهده وظایف محوله برآمده اند. این زمانی است که سیستم اداری ناکسارآمد بوده است. برخی دیگر بر اثر دخالتهای سیاسی و بوروکراتیک دچار دردهای بیشتری شده اند. مسلم است که توجه دولت بیشتر متوجه سازمانهای غیر دولتی کارآمد است. برخی نحوه استنباط دولت از سازمانهای غیر دولتی را در این

مسئله جستجو می کنند که دولت نتوانسته است قوانینی را به مرحله اجرا گذارد تا سازمانهای غیر دولتی بتوانند در چارچوب قانون فعالیت کنند.

البته دولت در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۶ با گذاردن قوانینی سعی کرد این نقیصه را جبران کند، ولی این امر وافی به مقصود نبوده است. برخی دیگر، سازمانهای دولتی ایجاد شده به وسیله دولت را به این مشکلات افزوده اند.

نویسنده اذعان می کند که اگر چه هیچ مطالعه جامعی در مورد سابقه اجتماعی و اقتصادی پرسنل شرکت کننده در سازمانهای غیر دولتی که در حال حاضر در هند موجود هستند، انجام نشده است، تعدادی از محققان مطالعاتی را در مورد پرسنل این سازمانها در یک ناحیه محدود و با قلمرو قدرت محدود انجام داده اند که ۳۲ سازمان غیر دولتی در سه ناحیه جغرافیایی در یک ایالت هند، مورد مطالعه قرار گرفت. دستاورد این مطالعه نشان داد که اکثریت آنها در دهه ۱۹۷۰ به وجود آمده بودند و در حدود یک چهارم از آنها توسط اشخاصی که متعهد به راه گاندی بودند،

ایجاد شده بود. حدود ۱۸ درصد از این سازمانها تحت تأثیر آیین مسیحیت بودند، در حالی که ۱۵ درصد دیگر از این سازمانها توسط افرادی ایجاد شده بود که تعصب خاصی برای خدمت به مردم فقیر داشتند. ۹ درصد از آنها نیز اعتقادشان به خدمت به بینوایان صرفاً از جنبه مادی بود.

تأثیر سازمانهای غیر دولتی بر خط مشی های توسعه و سیاست زیست محیطی و موضوعات مربوط به زنان مطالبی است که مورد اشاره نویسنده قرار گرفته است. در مورد تأثیر سازمانهای غیر دولتی بر خط مشی های توسعه، به توانایی سازمانهای مذکور در آموزش و سازمان دهی مردم برای نوسازی اشاره می شود. در مورد سیاست زیست محیطی، وی اشاره می کند که از آغاز دهه ۱۹۷۰ تعدادی از سازمانهای غیر دولتی در هند به وجود آمدند که نظرات بسیار قاطعی در رابطه با سیاستهای زیست محیطی نظیر نیاز به احیای جنگلها، ارزیابی تأثیرات محیطی مربوط به پروژه های گوناگون و حمایت از حقوق فردی در مقابل تخریب محیط زیست داشتند. فاجعه بوپال مورد توجه بیش از پیش سازمانهای غیر دولتی

آورده اند و از این طریق بر نحوه قانون گذاری در پارلمان نیز برای دستیابی به اهداف خود تأثیر گذار بوده اند. در پایان مقاله، جین، نوعی نتیجه گیری از فعالیتهای سازمانهای

غیر دولتی در هند به عمل آورده است. وی ادعان می کند که تعداد سازمانهای غیر دولتی در هند، نشانگر گرایش بدانها و همچنین کارهای داوطلبانه است. در عین حال برخی کمکهای دولت را به سازمانهای غیر دولتی مورد پرسش قرار می دهند. زیرا گاهی اوقات پروژه هایی از سوی دولت مطرح می شد و سازمانهای دولتی مجبور می شدند به تعقیب اهداف یاد شده بپردازند و هدف اصلی خود را فراموش کنند. اینک این طرز تفکر کنار گذاشته شده است و به سازمانهای غیر دولتی به عنوان شریک دولت نگاه می کنند. وی نقطه عزیمت این تفکر را در برنامه ۵ ساله هشتم (۱۹۹۲-۱۹۹۷) جستجو می کند.

در فصل پنجم و پایانی، سازمانهای غیر دولتی در توسعه مورد بحث قرار گرفته است. در واقع این فصل نوعی نتیجه گیری از مباحث چهار فصل گذشته است. گزارشها و مقاله هایی که در این کتاب درباره سازمانهای غیر دولتی به عنوان جزیی

قرار گرفت و بانک جهانی را وادار ساختند که نمایندگان خود را برای بررسی این فاجعه به هند اعزام کنند. در سال ۱۹۹۲ نیز انجمن محیط زیست و توسعه به وجود آمد.

سازمانهای غیر دولتی مربوط به زنان حتی قبل از استقلال در هند وجود داشتند. ولی تنها در دهه ۱۹۷۰ بود که وارد فعالیتهای حرفه ای شدند. همین امر موجب حضور آنها در مسیر توسعه در هند گردید. این سازمانها در زمینه بهداشت زنان و آموزش آنان بیشتر فعال بوده اند. مهمترین قوانینی که در نتیجه کوشش این سازمانها به وجود آمد، عبارت بود از: قانون ضد مهریه، قانون جلوگیری از ارتباط غیر اخلاقی، بالا بردن حداقل سن برای ازدواج دختران، دایر کردن بانک زنان، استفاده از فرصتهای مناسب برای آموزش و بهداشت زنان، آموزش مهارت فنی برای زنان، و ایجاد سازمانهایی نظیر کنفرانس زنان در سراسر هند، انجمن رفاه اجتماعی هندیان و غیره. در سایر زمینه های سیاسی، این سازمانها توانسته اند در مورد بسیاری از موضوعات چون حق کار و حق مسکن موفق شوند. آنان حتی برای به دست آوردن امتیازات بیشتر به راهپیماییها و تظاهرات روزمره روی

از بخش سوم آمد، نشان دهنده اهمیت رو به افزایش نقش سازمانهای غیردولتی در روند توسعه است. ولی این بدان معنا نیست که تمام سازمانهای غیردولتی موفق بوده اند. گاهی اوقات برخی نارساییها نیز در برخی از این سازمانها مشاهده شده است. با این حال مطالعات در زمینه فعالیت این سازمانها نشان می دهد که میزان موفقیت به ویژه در زمینه توسعه و مبارزه با فقر بیش از نارساییهای این گونه سازمانها بوده است. به رغم این، هرچند، همان گونه که در مقالات قبلی به خوبی بیان شد، افزایش تعداد سازمانهای غیردولتی در دو دهه اخیر شدت گرفته است، مشکلاتی نیز مانند کمبود بودجه، بی اعتباری دولت، عدم توجه مطبوعات به فعالیت آنها، برخی اوقات عدم حمایت عمومی، و مشکلات مدیریتی و اجرایی در این زمینه وجود دارد. با غلبه بر این مشکلات و استفاده از اصول مدرن مدیریتی و روشها و ابزار جدید می توان این سازمانها را برای رسیدن به اهدافی که در پیش رو دارند، یاری کرد.

در مبحثی تحت عنوان دولت و سازمانهای غیردولتی، اسناد بیشتری وجود دارد که نشان می دهد سازمانهای غیردولتی

در کاهش فقر و پیشرفت در کشورهای جنوب نقش اساسی داشته اند. به عنوان مثال در هندوستان، نشستی میان سازمانهای غیردولتی و دولت در ۷ تا ۸ مارس ۱۹۹۴ توسط نخست وزیر راتو برگزار شد و در اثر توافقی زمینه های فعالیت سازمانهای غیردولتی مشخص شد. آنها موظف شدند در زمینه آبیاری، بهداشت، آب آشامیدنی، برنامه های توسعه روستایی، رفاه خانواده، تحصیل، رسیدگی به امور زنان و کودکان، اشتغال، مسایل مربوط به جنگل و محیط زیست، علوم و تکنولوژی، منابع انرژی غیردولتی، توسعه امور زراعی و کودکان خیابانی مطالعه و راهبردهای بهینه ارائه نمایند. به رغم فعالیت آنها در این زمینه، سازمانهای غیردولتی و مدیران این سازمانها تمایل ندارند که دولت در رابطه با آنها به عنوان یک ابرقدرت عمل نماید. آنها خواستار احترام متقابلند. این مؤلفه، دولت و سازمانها را قادر می سازد که در توسعه و پیشرفت کشور مؤثر واقع شوند. در مبحث دیگری با عنوان توسعه و

شبکه سازمانی سازمانهای غیردولتی، ملاحظات مربوط به توسعه سازمانی و متعاقب آن بوروکراسی حاکم بر آنها مورد مطالعه قرار

گرفته است و نویسنده یادآوری می کند که این مسئله ممکن است بر اهداف این سازمانها تأثیر گذارد. ولی یادآور می شود که میان تفکر بوروکراتیک و توسعه باید نوعی هماهنگی به وجود آید، به نحوی که این سازمانها اهداف اصلی خود را فراموش نمایند. با این حال ضرورت مجهز شدن این سازمانها به تکنیکهای جدید مدیریتی را ضروری می داند. زیرا تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و جامعه شناختی لزوم توسل بدان را مبرم می سازد.

نویسنده در مبحث سازمانهای غیر دولتی و سیستم سازمان ملل، نتیجه می گیرد که تجربه کنفرانس زمین (کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه) و کنفرانس جمعیت، نشان دهنده حمایت سازمان ملل از چنین سازمانهایی است. از نظر بولدینک این حمایتها در آینده می توانند به ایجاد یک فرهنگ شهری جهانی و یا از نظر روزنا و همکارانش به حکومت بدون دولت بینجامد.

در تحلیل نهایی، سازمانهای غیر دولتی به عنوان سنجش سوم، می توانند به عنوان مکمل دولت در زمینه عدالت اجتماعی، ایجاد اعتماد به نفس در میان مردم و حمایت از حقوق انسانی عمل نمایند.

نویسنده در مبحث سازمانهای غیر دولتی و سیستم سازمان ملل، نتیجه

ژورنال علمی و پژوهشی
نمودار شماره ۱-۱

فاصله با دولت	فاصله با دولت
۲	۱
وابستگی هم گرا	وابستگی مجزا
(با توجه به دارایی و کنترل)	
۳	۴
عدم وابستگی به دولت	خود مختاری مجزا
خود مختاری هم گرا	